



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۷۴

۳۱ مرداد ۱۳۸۲

۲۲ اوت ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

تا درون کاخها راهی نیست!

فاتح بهرامی

اگر "ترس جن از بسم الله" خرافه ای مذهبی بود که برخ کشیدن قدرت الله را با ترس شیخ موهوم جن از اسم الله بیان میکرد، در دنیای واقعی و در شرایط سیاسی ایران، این اسامی کارگر، زن، جوان، و مردم است که نامشان تمام سران حکومت اسلامی و بسم اللهی را به وحشت مرگ فرو برده است. خود ولی فقیه از اینکه اوپاش کف بر دهان چماق بدست و انگشت به ماشه توانسته اند رژیم شان را در خرداد ماه موقتاً از نابودی نجات دهند، بطور جنی از وزارت اطلاعات رضایت دارد و اخیراً از زحمات آن قدردانی کرده است. اما مگر چند بار دیگر میتوانند از این "عائله" ها جان بدر ببرند؟ در کنار بکارگیری همیشگی ابزار چماق و سرکوب رژیم که مورد اخیرش باعث تقدیر خامنه ای از وزارت اطلاعات است، هر دو جناح رژیم سالهاست که "خطر" مردم را بهمیدگر یادآوری میکنند. برای دو خردادپها که دیگر رمق حرف زدن هم ندارند، گوشزد این خطر حالت وصیت نامه یافته است. هشدار جدید از سوی علیرضا علوی تبار است. علوی تبار، حزب الهی تمام عیار دیروز و "اصلاح شده" سالهای اخیر اکنون استاد دانشگاه است.

از جامعه شناسی ماکس وبر هم آموخته که برای مارکسیسم و تحلیل آن از طبقات و مبارزه طبقاتی چگونه رجز بخواند و برای نیاز به "گروه منزلتی" (آخوندها) تئوری بدهد. اما اینها و دیگر استنتاجات وی از جامعه شناسی ماکس وبر که در صحبت های وی در جلسه ای راجع به عاقبت اصلاحات بیان میشود، مقدمات تئوریک برای تاکید به لزوم همکاری دو جناح و مقابله کل حکومت با انقلاب بود. علاوه بر شوخی "جنبش اصلاحات دمکراتیک پیروز میشود"، پیام اصلی اش توجه دادن به خطر انقلاب مردم و نابودی حکومت اسلامی است. او میگوید "اصلاحات زمان دارد، اگر حکومت ها به موقع سخن اصلاحات را گوش ندهند، زمانی صدای مردم به گوش آنها میرسد که به در کاخ هایشان رسیده باشند" و تاکید میکند که "زمانداران حکومت باید به اندازه ای عاقل باشند که صدای مردم را زودتر از آنکه به کاخ هایشان برسند، بشنوند". اما آقای علوی تبار باور بفرمائید که کار از کار گذشته است، دیگر تا درون کاخها راهی نیست. شنیدن "سخن اصلاحات" رنگ کردن خودتان است، مساله شنیدن

صفحه ۴

درباره برگزاری کنگره چهارم حزب

مصاحبه رادیو انترناسیونال با کورش مدرسی



سیاوش دانشور: طبق اطلاعیه دفتر سیاسی حزب کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری در ماه دسامبر امسال بطور علنی برگزار میشود. ابتدا میخواستیم پرسیم که چرا کنگره حزب علنی برگزار میشود؟ سیاست حزب در این مورد چیست؟

کورش مدرسی: کنگره چهارم حزب دومین کنگره ایست که حزب علنی برگزار میکند. کنگره سوم حزب که سه سال پیش برگزار شد هم علنی بود. بجای اینکه ما بپرسیم که چرا کنگره حزب علنی است باید پرسید که چرا نباید

جلب کند و اگر بخواهد با اتکا به این مردم قدرت را بگیرد علنیت و شفافیت سیاسی و تشکیلاتی یک رکن مهم در سیستم کار آن خواهد

صفحه ۲

بند و بست آمریکا و رژیم اسلامی محکوم است

درمورد تعطیل دفاتر مجاهدین در آمریکا صفحه ۳

تظاهرات و درگیری در سمیرم و قائن

جمهوری اسلامی مردم شدیداً دست به مقاومت زدند و آنها را چندین بار به عقب راندند. در جریان درگیریهایی که پیش آمد حداقل هشت نفر کشته شده اند که دوتن از آنان مامورین جمهوری اسلامی هستند و بقیه از مردمند. صدها تن نیز زخمی شده اند. تعدادی از اهالی سمیرم در جریان حمله نیروهای جمهوری اسلامی دستگیر شده اند. استانداری اصفهان بعد از مواجهه با اعتراضات وسیع

صفحه ۳

شهر سمیرم در استان اصفهان از روز شنبه ۲۵ مرداد ماه برابر ۱۵ اوت محل درگیری هزاران نفر از مردم این شهر با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی بوده است. هزاران تن از مردم علیه مقامات حکومت دست به تظاهرات زدند و به ادارات دولتی و دفاتر مقامات حکومتی حمله کردند. بنا به گزارشها درگیریها با اعتراضات و تظاهرات گروههایی از مردم این شهر علیه تصمیم به الحاق دهستان وردشت به شهرستان تازه تاسیس دهقان آغاز شد. با حمله نیروهای انتظامی

گفت و شنود با رهبران حزب کمونیست کارگری ایران

درسهای ۱۸ تیر
چپ و راست
کجا ایستاد؟

برمن، ۳۱ اوت
استکهلم، ۶ سپتامبر
یوتبوری، ۷ سپتامبر

صفحه ۴

تظاهرات های حزب کمونیست کارگری ایران در کشورهای مختلف

در سالگرد کشتار شهریور ۶۷ صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ درباره برگزاری کنگره چهارم حزب

بود. حزب کمونیست کارگری می‌خواهد که تمام سلسله مراتب تشکیلاتی و سیستم‌های تصمیم‌گیری خود را علنی کند. اگر ما این کار را نمیکنیم و اگر ناچاریم بخشی از اطلاعات مربوط به حزب را مخفی نگاه داریم دلیلش علاقه ما به مخفی بودن نیست. دلیل آن بسادگی جمهوری اسلامی و دستگاه پلیسی آن اجازه این کار را نمیدهند. در خارج کشور فشار جمهوری اسلامی وجود ندارد یا قابل خنثی کردن است و ما امروز میتوانیم کنگره را در خارج کشور آتطور که باید باشد، یعنی علنی، برگزار کنیم. امیدواریم که بتوانیم هرچه زودتر کنگره بعدی را در ایران بطور علنی برگزار کنیم و آن را از طریق رادیو و تلویزیون بطور زنده برای هرکس که علاقمند باشد پخش کنیم. تا مردم ببینند که نمایندگان که به کنگره می‌آیند و کادراهی حزب چه میگویند، سیاستها چگونه مطرح میشوند، چگونه مورد موافقت و مخالفت قرار میگیرند و چگونه به تصویب میرسند. درست مثل پارلمان یا نهادهای علنی سیاسی، حزب کمونیست کارگری و هر حزب سیاسی باید شفاف و علنی باشد و مردم همه آنرا ببینند و اگر خواستند انتخاب کنند، و به آن بپیوندند. اگر حزب ما علنی نیست تقصیر جمهوری اسلامی است. ما تا آنجا که بتوانیم تلاش میکنیم که این سد را بشکنیم. در این زمینه حزب کمونیست کارگری ایران سنت شکن بوده، جلو رفته و راه باز کرده است. امروز هم تصمیم دفتر سیاسی حزب در همین راستا است.

سیاوش دانشور: به مسائل امنیتی و پلیس سیاسی اشاره کردید. و گفتید که این فشار در خارج آنقدر نیست که مانع از علنیت کنگره باشد. چرا احزاب دیگر این کار را نمیکنند؟

گورش مدرسی: بخشی از این احزاب، احزاب چپ هستند که ربطی به یک حزب سیاسی که بخواهد قدرت را بگیرد ندارند. اینها گروههای فشار، محفل‌های دوستان سیاسی و یا گروههای ایدئولوژیکی هستند که تصمیم‌گیری یا نحوه تصمیم‌گیری و شناختن شخصیت‌هایشان را به مردم مربوط نمیدانند. مردم هم اینها را بخودشان مربوط نمیدانند. حزب کمونیست کارگری ایران

ربطی به این سنت ندارد. از اول راهش را از اینها جدا کرده و اتفاقا سنتش را درمقابل اینها تعریف کرده است. اینها نه قصد گرفتن قدرت داند و نه می‌خواهند یک حزب سیاسی تشکیل دهند که مردم بتوانند به آن بپیوندند یا قابل انتخاب باشند. فشار پلیسی و اختناق طولانی در تاریخ معاصر ایران، چه در دوره پهلوی و چه در دوره جمهوری اسلامی، باعث شده که مسئله مخفی کاری و قایم شدن از مردم به تدریج از یک پدیده تحمیلی به یک نوع فخر فروشی، برتری یا حسن تبدیل شود. در نتیجه اینکه کسی رهبر فلان سازمان را نشانسد یا نداند چه کسی از کجا آمده یا سابقه‌اش چیست، و کلا مخفی بودن و سریت یک آوانتاژ به حساب میاید. گروه‌هایی که در این جنبه گیر کرده‌اند ربطی به قدرت و ربطی به تحزب سیاسی ندارند. گروههای کوچک و بی تاثیر حاشیه‌ای هستند. حزب کمونیست کارگری نمیتواند اینها را ملاک قرار دهد.

احزاب دست راستی و احزاب اصلی بورژوازی مشکل دیگری دارند. در ایران اینها سنتا و تاریحا احتیاجی به جلب مردم نداشته‌اند چون امورشان را باقلداری، استبداد و نیروی نظامی و انتظامی پیش برده‌اند. دیگر در اواخر دوره پهلوی هیچ حزب سیاسی قابل اعتنائی در این سنت باقی نمانده بود. در نتیجه سنت تحزب سیاسی در این بخش از اپوزیسیون ایران بشدت ضعیف است. اینها نه می‌خواهند و نه بلدند مردم را قاطی آدم بحساب آورند یا علاقه‌ای به علنیت سیاسی ندارند، به ضررشان تمام میشود. در نتیجه اینها هم از سر دیگری سنت علنیت سیاسی و تحزب سیاسی را ندارند. حزب کمونیست کارگری یک حزب کمونیست، یک حزب چپ اجتماعی است که می‌خواهد مردم را جلب کند و ما واقعا مشکلمان پلیس است که اجازه نمیدهد حرفمان را بگوش مردم برسانیم، خودمان را بشناسانیم و نیرو بگیریم. ما اعتقاد داریم که اگر آزادی وجود داشته باشد و اگر ما بتوانیم حرفمان را بگوش مردم برسانیم مردم به سوسیالیسم جذب میشوند و اگر اختناق و سرکوبی علیه ما هست درست برای ممانعت از این کار است. برگزاری کنگره علنی قدمی در این راه است که ظاهرا دیگران به آن احتیاجی ندارند.

سیاوش دانشور: در کنگره سوم حزب

از رسانه‌ها، احزاب و گروههای سیاسی و شخصیتها مختلف برای شرکت در کنگره دعوت شده بود. اطلاعیه دفتر سیاسی اینبار هم اعلام کرده که این دعوت تکرار خواهد شد. هدف از دعوت احزاب سیاسی در کنگره چیست، آیا دوری و نزدیکی سیاسی با این احزاب را می‌رساند؟

گورش مدرسی: اولاً ما فقط احزاب و گروههای سیاسی را به کنگره دعوت نمیکنیم. شخصیتها رسانه‌ها و ژورنالیست‌ها هم به کنگره دعوت میشوند. همه دعوت میشوند که بیایند از نزدیک با حزب ما آشنا شوند. با نمایندگان کنگره و تعداد وسیعی از کادراهی حزب که در کنگره شرکت خواهند کرد از نزدیک آشنا شوند و اگر می‌خواهند آنها را مخاطب قرار دهند و در فاصله نشستهای رسمی با آنها بحث کنند. این علامت علنیت ماست. طبعاً این کنگره حزب کمونیست کارگری ایران است و دستوری دارد که باید به آن بپردازد و امکان اینکه به بقیه فرصتی مانند نمایندگان داده شود وجود ندارد و این طبیعی است. اما نفس حضور جریان‌های مختلف با توجه به آنچه گفتم میتواند مفید باشد. ثانیاً دعوت احزاب سیاسی به کنگره مطلقاً علامت دوی و نزدیکی به ما نیست. ما همه نیروهای اپوزیسیون را دعوت میکنیم. اتفاقاً قائل شدن به نوعی فیلتر نشان دهنده دوری فیلتر شده و نزدیکی کسی که از فیلتر گذشته است خواهد بود. در نتیجه ما هیچ تمایزی قائل نشویم و دعوت به کنگره را علامت دوری یا نزدیکی سیاسی نمیدانیم. ما خودمان را به هیچ یک از احزاب دعوت شده نزدیک نمیدانیم. خودمان را آلترناتیوی در مقابل همه اینها میدانیم. در نتیجه فرقی برای ما ندارند، ما همه را دعوت میکنیم که اگر مایل باشند دعوت ما را قبول کنند میتوانند تشریف بیاورند و میهمان کنگره ما باشند.

سیاوش دانشور: در مورد بقیه مردم چه؟ کنگره قبل تعداد زیادی شرکت کننده میهمان داشت که خودشان آمده بودند. آیا امسال هم کنگره بروی کسانی که علاقه داشته باشند باز خواهد بود؟

گورش مدرسی: حتماً امسال هم ما از همه دعوت میکنیم که در کنگره شرکت کنند. امسال هم ما جای لازم برای میهمان را فراهم خواهیم کرد و حتماً برای میهمانان کنگره جا خواهیم داشت. با خاتمه انتخابات اعلام خواهیم کرد که

کسانی که مایل به شرکت در کنگره هستند باید بکجا مراجعه کنند و چگونه ثبت نام کنند. تلاش میکنیم که بتوانیم تعداد هرچه بیشتری جا برای میهمانان داشته باشیم. در هر حال این تعداد محدود خواهد بود ناچار خواهیم بود که بر اساس ترتیب ثبت نام جا اختصاص دهیم. یک فاکتور دیگر این است که ما تلاش خواهیم کرد که اگر بتوانیم کل پروسه کنگره را برای کسانی که امکان شرکت در کنگره را ندارند زنده از تلویزیون، رادیو یا اینترنت و یا هر سه پخش کنیم. امیدواریم بتوانیم اینکار را انجام دهیم.

سیاوش دانشور: به بحث نمایندگان بپردازیم. اطلاعیه اعلام کرده که ۲۰۰ نماینده منتخب تشکیلاتهای حزب در کنگره شرکت خواهند کرد. در کلا انتخاب نمایندگان به چه صورت است؟

گورش مدرسی: نمایندگان کنگره قاعدتاً نمایندگان تشکیلاتهای حزب هستند. به این تشکیلاتها به نسبت وزنشان در حزب نماینده داده میشود. سیاستی که ما در چندین سال گذشته داشته‌ایم این است که تعدادی از نمایندگان را به شخصیتها و کادراهی شناخته شده سراسری حزب اختصاص میدهیم. ما به این کادرها و شخصیتهای حزب مجال میدهیم که نه بعنوان نماینده این یا آن بخش حزب بلکه نماینده کلیت حزب کاندید و انتخاب شوند. در نتیجه ما دو دسته کاندید داریم و دو انتخابات: انتخابات سراسری و انتخابات محلی. حدود چهل درصد نمایندگان به انتخابات سراسری و ۶۰ درصد به انتخابات محلی داده شده است. در انتخابات سراسری عضو حزب میتواند خود را کاندید کند و همه اعضا در یک رای گیری به لیست مورد نظر خود رای میدهند و به این ترتیب نمایندگان سراسری حزب انتخاب میشوند. که نتیجه این انتخابات در نشریه هفتگی اعلام شده است. ۸۱ نفر بعنوان نماینده سراسری انتخاب شده‌اند. بقیه نمایندگان، مستخیمین تشکیلاتهای محلی خواهند بود. که واحدها و تشکیلاتهای مختلف بسته به وزن و اهمیت آنها تعدادی نماینده به آنها اختصاص داده میشود و اعضا و کادراهی که ممکن است در ابعاد سراسری بقدر کافی شناخته شده نباشند یا دامنه و نوع فعالیتشان به نحوی باشد که قابل شناخته شدن نباشند شانس انتخاب شدن را پیدا میکنند. نمایندگان که به کنگره می‌آیند

اعم از اینکه سراسری باشند یا محلی از حق برابر برخوردارند و هیچ تفاوتی بین آنها نیست.

سیاوش دانشور: امروز حزب کمونیست کارگری یک جریان اجتماعی قوی است که موجودیت و نفوذ آن در داخل کشور بیشتر از دامنه آن در خارج کشور است. روش شرکت اعضای حزب، کادراهی حزب و کسانی که با حزب در داخل کار میکنند در کنگره به چه شکل است؟

گورش مدرسی: متأسفانه وجود استبداد و سرکوب پلیسی و خطرات امنیتی که برای اعضا و فعالین حزب در داخل کشور هست شرکت تشکیلاتهای حزب در داخل در انتخاباتها و از جمله انتخابات کنگره را نا ممکن میکند. وجود اختناق و خطر پلیس مانع از آن میشود که ما یک سازمان متمرکز در داخل کشور داشته باشیم. سازمان حزب در داخل کشور یک سازمان منفصل و بر اساس ارتباط طبیعی محافل مختلف با حزب است و حتی در یک محفل یا شبکه محفلی عضویت همه بر هم آشکار نیست. این وضعیت مانع از آن است که ما اعضایمان را بهم بشناسانیم یا جمع کنیم. متأسفانه شرایط پلیسی و ضرورت حفظ امنیت کسانی که با حزب در داخل کشور کار میکنند اجازه نمیدهد که اعضای حزب در داخل کشور بتوانند در انتخابات شرکت کنند. جمع‌ها و واحدهایی که از تعلق تشکیلاتی هم خبر دارند آنقدر کوچک اند که شانس وجود ندارد که یک فعال محلی حزب بتواند در ظرفیت حزبی خود را در ابعادی که رای بیورد بشناساند. رساندن برهه‌های رای بشیوه مطمئن بدست اعضای حزب و جمع آوری آرا، اطمینان از صحت آن کلا آنقدر پیچیده و متضمن ریسکهای امنیتی رد و بدل شدن اطلاعات یا افتادن اطلاعات بدست رژیم است که شرکت دادن اعضا در انتخابات سراسری را هم ناممکن میکند. برای حفظ امنیت این بخش از تشکیلات قراری به تصویب رسیده که انتخابات در داخل کشور را منتفی کرده است. این نقطه ضعفی است که تنها با تغییر شرایط میتواند برطرف شود. اما نفس انتخاب نمایندگان سراسری بعلاوه تلاشی است برای کاهش اثرات این نقص. نمایندگان سراسری دیگر نماینده تشکیلاتهای محلی نیستند و به این اعتبار به درجهای وزن سراسری حزب را



منعکس میکنند. تعداد زیاد از نمایندگان سراسری کسانی هستند که واقعا نماینده خارج کشور نیستند. شخصیت‌های شناخته شده در سیاست ایران هستند و به این اعتبار به کنگره می‌آیند. من فکر می‌کنم که اگر انتخابات سراسری را در داخل کشور هم انجام میدادیم بخش مهمی از این نمایندگان باز هم انتخاب میشدند. ما ضمن اینکه بشدت می‌خواهیم که تعداد هرچه وسیعتری در انتخابات شرکت کنند و بخصوص تشکیلات داخل ما نقش شایسته خود را داشته باشد، از نظر امنیتی با اوضاعی که هست اینکار را مقذور نمیدانیم. امیدواریم در آینده نزدیکی بتوانیم این کار را جبران کنیم.

سیاوش دانشور: کنگره حزب کمونیست کارگری در مقطع خاصی از حیات حزب کمونیست کارگری ایران تشکیل میشود. این اوضاع چه مهری را به کنگره میزند و دستور جلسات تا چه حد روشن است و چه خواهد بود؟

گورش مدرسی: دستور جلسات هنوز روشن نیست و پلنوم کمیته مرکزی یا دفتر سیاسی باید در این مورد تصمیم بگیرد. اما قطعا رنگ اوضاع و احوال به کنگره زده خواهد شد. البته باید توجه داشت که تا کنگره وقت زیادی هست. در دنیای سیاسی امروز ایران چند ماه مدت زیادی است و اتفاقات زیادی ممکن است بیفتند. اما بهر صورت ما با انقلابی در ایران روبرو هستیم که در حال شکل گیری است و به اصطلاح نسیم انقلاب دارد میوزد و روند آخر رودرونی مردم با جمهوری اسلامی شروع شده است. حزب کمونیست کارگری ایران شاخصترین نیرو در راس این جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. حزب کمونیست کارگری مسئله قدرت سیاسی را در مقابل خود دارد و مسئله تصرف قدرت سیاسی از مقطع کنگره سوم به ما نزدیک تر است. در نتیجه این مسئله که حزب کمونیست کارگری این انقلاب را چگونه سازمان میدهد و چگونه قدرت را میگیرد، ما چگونه حق مردم در تعیین نظام آینده ایران را تضمین میکنیم و غیره مسائلی هستند که قاعدتا در مقابل کنگره قرار خواهد داشت.

بیرونی به حزب در فاصله دو کنگره نگاه کنید چه شاخص های مهمی در حیات حزب میبینید؟

گورش مدرسی: حزب کمونیست کارگری ایران از کنگره سوم تاکنون یک لطمه عظیم خورد. این را بنظر من همه میبینند و بیش از هرکس خود ما می‌بینیم. حزب کمونیست کارگری ایران با از دست دادن منصور حکمت عظیم‌ترین ستون قدرت خود را از دست داد. راستش به نظر من یکی از پایه‌های شانس حزب ما در تصرف قدرت سیاسی و سازماندهی جامعه سوسیالیستی و اینکه انقلاب ایران سریعتر، کم دردتر و با دستاوردهای عمیقتر انجام شود منصور حکمت بود. ما و کل جنبش سوسیالیستی ایران، طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهانه مردم او را از دست دادیم. این لطمه عظیمی بود که آثار آن قابل مشاهده است. اما خود وجود این حزب و کادرهایش، سرعت و دوری که برداشته، پایه‌های وجودیش و معناتی که در دنیای سیاست پیدا کرده از یک طرف و تحولات سیاسی ایران از طرف دیگر حزب را به موقعیت بسیار بالایی در ایران در حال شکل گیری است و این انقلاب پیش از هرکس و بیشتر از هرکس با حزب کمونیست کارگری ایران تداعی میشود. با شعارهای این حزب، با رهبران این حزب و با کادرها و فعالین آن تداعی میشود. این بزرگترین شانس را به ما میدهد و حزب را در موقعیت مناسبتری

از کنگره سوم قرار میدهد.

سیاوش دانشور: خود شما از کنگره چهارم چه انتظاری دارید و بنظر شما این کنگره چه کنگره‌ای باید باشد؟

گورش مدرسی: کنگره کارهای زیادی را باید انجام دهد که اساس آن بر میگذرد به انقلاب ایران و نقشی که حزب باید در آن بازی کند. اتفاقاتی که حزب میخواهد شکل بدهد و سیاست‌هایی که حزب در ابعاد ماکرو اتخاذ خواهد کرد. کنگره باید نشان دهد از اینجا که هستیم کجا باید برویم و به قدرت سیاسی چگونه باید نزدیک شد و چه شاخص‌ها یا مولفه‌هایی برای تسریع این پروسه وجود دارند و حزب این انقلاب را کجا میخواهد ببرد. یک جنبه مهم دیگر کنگره این است که این اولین کنگره ما در غیاب منصور حکمت است. همه به ما نگاه میکنند، خود ما بیشتر از همه به خودمان نگاه میکنیم در کنگره که این چقدر کنگره‌ایست و به همه نشان میدهد که این حزب، همان حزب منصور حکمت است، خطش خط منصور حکمت است. پویائی سیاسی آن، شفافیت آن، دینامیسم و چابکی فکری و عملی آن، ابتکار عمل و بزرگ فکر کردن و عمل کردن آن از همان جنسی است که منصور حکمت داشت. ابعادش نمیتواند همان باشد اما همه نگاه میکنند ببینند جنس ما همان است یا نه. کنگره باید این جنس را نشان دهد. من دلم میخواهد وقتی از کنگره بیرون می‌آیم همه برگردیم و به خودمان بگوئیم این حزب حزب منصور حکمت است.

بند و بست آمریکا و رژیم اسلامی محکوم است

درمورد تعطیل دفاتر مجاهدین در آمریکا

دولت آمریکا روز جمعه ۱۵ اوت تمامی دفاتر شورای ملی مقاومت وابسته به سازمان مجاهدین را در این کشور تعطیل و کلیه امکانات مادی این سازمان را بلوکه کرد. آمریکا همچنین هر گونه کمک مالی و همکاری با این سازمان را در زمره همکاری سازمانهای تروریستی اعلام کرد. قبلاً نیز سازمان مجاهدین در لیست سازمانهای تروریست قرار داده شده بود. بدنبال این اقدام، رژیم اسلامی رسماً خوشنودی خود را از این سیاست جدید دولت آمریکا اعلام و آن را گامی در جهت بهبود روابط آمریکا و جمهوری اسلامی قلمداد کرد.

روشن است که اتخاذ چنین سیاستی در قبال یکی از جریانات اپوزیسیون جمهوری اسلامی بند و بست آشکار با رژیم اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ اوت ۲۰۰۳

گرفت. جایجا شدن این شهر و آن دهستان در تقسیمات کشوری گرچه در جنگ قدرت میان مقامات خرد و ریز محلی حکومت میتواند مهم و حیاتی باشد، بی تردید در وضعیت و موقعیت مردم ساکن آنها به هیچ وجه تاثیر سرنوشت سازی ندارد و نخواهد داشت که بتواند خشم عمومی مردم را در این ابعاد دامن بزند. این مردم از حکومت و دست اندرکاران و پادوهایش منزجرند و خشم خود را در هر فرصت و بهانه و کشاکشی بیرون میریزند. حزب کمونیست کارگری همه مردم را به اتحاد و همبستگی، و مبارزه برای سرنگونی حکومت منفور اسلامی فرا میخواند. با سرنگونی این حکومت میتوان همه مردم شهر و روستاهای دور و نزدیک را زیر پوشش رفاه و تأمینات اجتماعی یکسان و با استانداردهای بالا قرار داد و به محرومیت عمومی مردم شهرها و روستاها به نحوی اساسی پایان داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ مرداد ۱۳۸۲-۱۸ اوت ۲۰۰۳

از صفحه ۱ تظاهرات در سمیرم

مردم این شهر از تصمیم خود در مورد وردشت عقب نشینی کرده است. گزارشهای دیگری حاکی از اینست که در شهر قائن نیز مردم این شهر در اعتراض به تغییر تقسیمات استانی دست به اعتراض و تظاهرات زدند. درگیری شدیدی بین نیروهای انتظامی و مردم صورت گرفت و شمار زیادی زخمی شدند. سرکوبگران جمهوری اسلامی با خشونت تمام به تظاهرات کنندگان حمله میکردند و مردم مقاومت مینمودند.

این تظاهراتها و درگیریها مستقل از محرکهای مشخصی که آنها را دامن زد، یک واقعیت را بار دیگر پیش چشم هر ناظری گذارد و آن اینکه مردم ایران از حکومت اسلامی و مقامات و دست اندرکاران و مامورینش منزجر و متنفرند. دره عمیقی که مردم را از این حکومت جدا میکند از جانب خود کارشناسان رژیم به عنوان زنگ خطر بزرگی مورد اشاره قرار

یک دنیای بهتر

برنامه

حزب کمونیست کارگری را بخوانید

به حزب کمونیست کارگری پیوندید

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

سیاوش دانشور: خود شما بعنوان لیدر حزب، اگر خودتان را از حزب منتزع کنید و از آن فاصله بگیرید و به عنوان یک ناظر

از صفحه ۱

تا درون کاخها راهی نیست!

صدای پای انقلاب است که گوش شما و دوستانتان را آزرده کرده است. نمیدانم اشکال از خودتان است یا از آموزشهای ماکس وبر، هر چه هست تناقض بین صدای انقلاب و "پیروزی اصلاحات" را نمیفهمد.

فقط علوی تبار نیست که نگران است. همه به خود میپیچند. خاتمی هم سه هفته پیش گفته بود که وضع بسیار خطرناک است و به سران حکومت هشدار داده بود که جامعه در حال دو قطبی شدن است و اینقدر سیاه و سفید نکنید. این جملات بیچاره سید "ممتل" بجز علییه جناح راست تند نظر آمده بود که "ناظران سیاسی" آنرا تندترین برخورد خاتمی ارزیابی کرده بودند. دیگری همچون بهزاد نبوی آنقدر از سر و وضع اصلاحات و شرکت نکردن مردم در انتخابات ها و نمونه شورای اسلامی تهران افسرده و غمگین است که آماده شدن برای انتخابات مجلس هفتم را بی نتیجه میدانند. این "چریک پیر" از علوی تبار نا امیدتر است و میگوید راهی به نظرش نمیرسد که بتواند مردم را به پای صندوقها بکشاند اما ناچارا باید روی "شعارهای اساسی اصلاحات" کوبید! تازه فقط وحشت از خود مردم نیست، بشقابها و ماهواره های تلویزیونی هم جزو دشمنان مهم اسلام و حکومت اسلام اند. اکنون که معلوم شد مرکز پخش پارازیت روی امواج تلویزیونهای ماهواره ای رو به ایران یکی از اماکن دیپلماتیک رژیم اسلامی در هاوانا بوده است و گفته میشود که اخیرا دولت کوبا آنرا مسدود کرده است، خبر میرسد که بر فراز تهران هلیکوپترها به پرواز در آمده اند و از شهر عکس میگیرند. این خبر اشاره دارد که این عکسها را برای تطبیق با نقشه تهران و شناسایی آدرس خانه های دارای بشقاب و آنتن های ماهواره ای میخواهند که بعد بروند سراغشان و جمع کنند.

ترس و وحشت همه سران جمهوری اسلامی از مردم یجاست. حداقل چهار سال است که خواست مردم را برای سرنگونی رژیم فهمیده اند و پیام مستقیم مرگ بر جمهوری اسلامی را در خرداد ماه امسال دریافت کردند. بجز سرکوب، اگر بهم میپیزند و اندرز بار یکدیگر میکنند فقط بخاطر عقب کشیدن عقربه زمان نابودیشان است. خشم

مردم از کل حکومت اسلامی قابل مهار نیست، هر بهانه ای فرصتی برای ابراز اعتراض میشود. ماجرای سمیرم نمونه جدید آن است. بهانه شروع اعتراض که مربوط به الحاق وردشت به دهقان بود آنقدر پیش پا افتاده و بی تاثیر به حال مردم است که اگر جمهوری اسلامی نبود ممکن بود حتی مردم وقت خود را برای گوش دادن حرف کسی تلف نکنند. اما چون یک بهانه برای اعتراض به رژیم فراهم شده، تظاهرات وسیع و حمله به ادارات و اماکن رژیم و درگیری با مزدوران رژیم در ابعاد خیلی وسیع را بدنبال میآورد. ۹ کشته و بیش از ۲۶۰ نفر زخمی نتیجه این درگیریها بوده که ۳ نفر از کشته شدگان و بیش از ۱۱۰ نفر زخمی ها از نیروهای رژیم و بقیه مردم بوده اند. کار به جایی رسیده که در درگیری مردم با رژیم، نیروهای حکومت هم کشته و زخمی میهند.

این رژیم را باید انداخت، خود بخود نمیافتد. رژیم برای مقابله با مردم و ضعیف کردن قدرت و توان نیروی اعتراض آنها فقط به سرکوب مستقیم بسنده نکرده است. کارگران را اسیر تلاش شدید برای از گرسنگی نردن و یخشا برای گرفتن دستمزدشان کرده اند. جوانان را به یمن بیکاری شدید تا میتوانند به سمت اعتیاد و پرتاب کردن به حاشیه جامعه هول میدهند. خود عناصر و افراد ویژه رژیم بیشتر از هر کس در توزیع انواع مواد مخدر و قرصهای مخدر خطرناک در میان جوانان مشغول هستند، حتی گزارشاتی حاکی است که ماموران رژیم برای بیشتر بدست گرفتن کنترل توزیع، برخی باندهای دیگر را محدود کرده اند. بنظر میرسد برای این رژیم افزایش اعتیاد و پرتاب شدن جوانان به حاشیه جامعه دارد به کمک توپ و تانک و مسلسل میاید که مردم بی اثری آنها را اعلام کرده اند. در مورد زنان تلاششان اینست که آنها را یا خانه نشین کنند یا به ورطه نابودی بیندازند. آمار جدید سازمان بهزیستی درباره زنان فراری از خانه ها و آواره در جامعه تکان دهنده است. این آمار به وجود ۳ میلیون زن "ویژه، ناپهنجار، و فراری" اشاره دارد. اینها زنان و دختران جوانی هستند که مجبور به تن فروشی و افتادن به دام باندهای "قاچاق انسان" میشوند. و مسئول امور زنان سازمان بهزیستی، زهرا رخشنده، بیشرمانه دلیل این مشکل را مادران و مسئولان کشور میدانند که به غلط فکر میکنند وجود زنان در جامعه بهتر از ماندنشان

در خانه است. او عملا دارد میگوید راه جلوگیری از فراری شدن دختران از خانه زندانی کردن آنها در خانه است. از آمار کشورهای دیگر شاهد میآورد که بیش از هشتاد درصد زنان خانه دار هستند و آنرا الگوی مناسب برای جلوگیری از فراری شدن دختران میدانند.

بنابراین خشم مردم از این حکومت، با توجه به آنچه در طول این بیست و پنج سال برشان آمده و با توجه به شرایطی که به جامعه تحمیل کرده اند، قابل فرو نشستن نیست. هر لحظه زنانه میکشد. خود وحوش اسلام هم بخوبی واقفند. از طرف دیگر حکومت قدرت مقابله با اعتراض سراسری و متحد مردم را ندارد و صفوفش در هم ریخته است. اما هر روز ماندن این حکومت بمعنای واقعی زندگی انسانهای زیادی را به تباهی یا وضعیت بدتری میکشاند. نباید به آن فرصت داد.

همانطور که گفتم، مساله اینست که رژیم خود بخود نمیافتد باید آنرا انداخت، پس باید برای سرنگونی آن باید آماده شد، متحد شد و متشکل شد. مردم از پتانسیل اعتراضی علیه رژیم کم ندارند، نفرت از حکومت و تک تک سران آن موج میزند، آینده ای انسانی، رفاه، آزادی، برابری و رعایت حرمت انسانی خواست فوری همه مردم است که جمهوری اسلامی همه آنها را به بند کشیده است. آنچه برای انداختن رژیم اسلامی کم است کمبود آمادگی عملی همین امروز مردم برای سازمانیابی مبارزات است. به این باید سرعت جواب داد. کارگران باید بطور جلی پا به صحنه سیاست بگذارند، نقش کارگران در سرنگونی رژیم بشدت حیاتی است. زنگ اعتصابات سیاسی کارگران و در راس آنها کارگران نفت و صنایع کلیدی باید بصدا درآید. و بالاخره مساله مهم پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران است. حزب کمونیست کارگری در راس جنبش آزادیخواهان مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی و برپائی یک جامعه شایسته انسان در صحنه سیاست حضور دارد و هدف فوری و بلافصل سرنگونی این حکومت است. به این حزب باید پیوست و آنرا قدرتمند کرد تا خواست سرنگونی مردم ایران و تامین آزادی و برابری و رفاه برای جامعه بتواند جامه عمل به تن کند.

گفت و شنود با رهبران حزب کمونیست کارگری ایران

درسهای ۱۸ تیر

چپ و راست کجا ایستاد؟

آلمان - برمن

علی جوادی، مینا احدی، صالح سرداری، اصغر کریمی

یکشنبه ۳۱ اوت، ساعت ۴ بعدازظهر

Konsul- Hackfeldhaus, Birkenstr. 34

تلفن تماس:

۰۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵ و ۰۱۷۲۴۵۲۱۴۱۰ و ۰۱۷۳۲۰۵۰۵۸۴

سوئد - استکهلم

کوروش مدرسی، آذر ماجدی، فاتح شیخ الاسلامی، حسین مرادیگی و مجید حسینی

جمعه ۶ سپتامبر ساعت ۵ بعداز ظهر

Husbytraff

سوئد - یوتبری (گوتنبرگ)

کوروش مدرسی، آذر ماجدی، فاتح شیخ الاسلامی و ایرج فرزاد

شنبه ۷ سپتامبر ساعت ۱ بعد از ظهر

Angered لوکال Bla Stallet

تلفن تماس: ۰۷۰-۷۶۵ ۳۲ ۳۴

تظاهرات های

حزب کمونیست کارگری ایران در کشورهای مختلف

در سالگرد کشتار شهریور ۶۷:

اقوا (کانادا) شنبه ۶ سپتامبر (۱۵ شهریور) ساعت

۲ بعدازظهر مقابل سفارت جمهوری اسلامی،

سخنران: ثریا شهابی

فرانکفورت (آلمان) شنبه ۳۰ اوت ساعت ۱۲ ظهر

مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی،

سخنران: علی جوادی

اسلو (نروژ) شنبه ۳۰ اوت ساعت ۱۱ صبح مقابل

سفارت جمهوری اسلامی

استکهلم (سوئد) چهارشنبه ۲۷ اوت ساعت ۷ بعدازظهر

میدان سرگل مرکز استکهلم

سخنران: سیاوش دانشور، هلاله طاهری